

## بررسی ابیاتی نویافته از رودکی در فرهنگی ناشناخته

نصراله امامی\* مژگان شیرمحمدی\*\* سجاد دهقان\*\*\*

دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

یکی از منابع اصلی پژوهشگران برای واکاوی میراث‌های گم‌شده‌ی شاعران کهن زمین از جمله پدر شعر پارسی، ابو عبدالله رودکی، مراجعه به فرهنگ‌های کهن و یا ناشناخته‌ای است که غالباً از نظر به دور مانده‌است. با توجه به فراوانی منابع ادبی و پراکندگی اشعار رودکی در آثار ادبی پس از وی، یافتن هر نسخه‌ی جدیدی از این قسم، می‌تواند برای افزودن به شمار سروده‌های رودکی سمرقندی، سراینده‌ی نامدار عصر سامانی، مغتنم باشد. در بین منابع ادبی و بلاغی به‌جای‌مانده، فرهنگ‌های لغت به لحاظ ذکر شواهد شعری فراوان از شاعران مختلف، اهمیت ویژه‌ای دارند. با بررسی دو نسخه از یک فرهنگ فارسی به فارسی تألیف مؤلفی ناشناس که در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی ملی شماره شده‌اند، ابیات تازه‌ای از رودکی به دست آمد که در این مقاله به معرفی آن‌ها پرداخته‌ایم؛ علاوه بر این، ضبط‌های منحصر به فردی از برخی ابیات و انتساب‌های جدیدی به رودکی مشاهده شد که در این جستار نقد و بررسی شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** ابیات منسوب، ابیات نویافته، رودکی، فرهنگ ناشناخته.

### ۱. مقدمه

دیوان رودکی از مهم‌ترین دیوان‌هایی است که در گذر زمان، از آسیب مهاجمان و آفات روزگار در امان نمانده و از آن جز ابیاتی پراکنده در متون کهن به دست ما نرسیده‌است؛ از این رو پژوهشگران حوزه‌ی شعر سراینندگان خراسان، برای بازیابی اشعار وی همواره در متون مختلف از جمله تذکره‌ها، کتب بلاغی، فرهنگ‌های لغت و سایر کتب، مانند

\* استاد زبان و ادبیات فارسی nasemami@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی m\_shirmohamadi16@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

\*\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی Sajjad\_dehgan@yahoo.com

کتاب‌های تاریخی، اخلاقی، حکایت و تفسیر، تفحص می‌کنند و گه‌گاه نمونه‌هایی از اشعار این سراینده‌ی بزرگ را معرفی می‌کنند. یکی از منابع گران‌سنگ اشعار این شاعر تیره‌چشم روشن بین، فرهنگ‌های لغتی است که برای درک بهتر معنی واژه‌های مختلف، از شواهد شعری شاعران پیش‌گام شعر فارسی (رودکی و متأخران وی) بهره‌ی وافری برده‌اند.

### ۱.۱. معرفی اجمالی فرهنگ‌های کهن

بنا به گفته‌ی لغت‌شناسان، اولین فرهنگ فارسی به فارسی، فرهنگی مختصر از لغات فارسی دری بوده که قطران تبریزی، شاعر قرن پنجم، آن را تألیف کرده‌است. این فرهنگ بنا به نقل اسدی طوسی، مؤلف لغت فرس، بسیار مجمل و شامل لغات متداول بوده‌است. (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱) از این فرهنگ، نسخه‌ای در دست نیست و ما از ماهیت آن چه قطران تبریزی به رشته‌ی تحریر درآورده بود، اطلاع چندانی نداریم. البته نسخه‌ای از فرهنگی موسوم به فرهنگ قطران تبریزی در مدرسه‌ی «سپهسالار» نگهداری می‌شود که بسیار مفصل‌تر از آن است که گذشتگان درباره‌ی این فرهنگ گفته‌اند و نمی‌توان مطمئن بود که این فرهنگ همان فرهنگ قطران تبریزی بوده باشد.

دومین فرهنگ لغت فارسی به فارسی، رساله‌ی ابوحفص است که پیش از فرهنگ اسدی طوسی تحریر شده‌است. از این رساله نیز هم‌اکنون نسخه‌ای موجود نیست. فرهنگ‌نویسان تا قرن یازدهم به فرهنگ ابوحفص ارجاع داده‌اند که نشان می‌دهد تا آن زمان، در دست بوده‌است. نقل قول‌هایی که فرهنگ‌نویسانی چون «جهانگیری»، «رشیدی»، «سروری»، «شعوری» و دیگران از این فرهنگ در آثار خود آورده‌اند، بیانگر آن است که مؤلف، از شواهد شعری بسیاری در فرهنگ خویش بهره برده‌است؛ از این جمله می‌توان به برخی از ابیات رودکی اشاره کرد که بنا به گفته‌ی سروری و دیگران، منحصرأ در رساله‌ی ابوحفص بوده‌است. (ر.ک: سروری، ۱۳۳۸: ۵۳۶؛ ذیل دفنوک)

این فرهنگ هرچند با نام رساله‌ی ابوحفص مطرح شده، از ابوحفص سغدی که شاعر اواخر سده‌ی سوم و اوایل سده‌ی چهارم بوده، نیست:

«در سده ۱۱ق/۱۷م برخی از فرهنگ‌نویسان معروف مانند جمال‌الدین انجو (ص ۹۳۹، ۵) سروری (ص ۴۹، ۶۸، ۳۷۶، ۵۱۱، ۵۳۶، ۷۶۰) تتوی (ص ۵۰۴، ۶۸۱، ۷۱۱) در تألیف آثار خود از لغت‌نامه‌ای منسوب به ابوحفص استفاده کرده و از آن با نام‌های "فرهنگ ابوحفص"، "رساله‌ی

ابوحفص " و "نسخه‌ی ابوحفص" یاد کرده‌اند. از آن‌جا که شواهدی که این مؤلفان از لغت‌نامه ابوحفص برای واژه‌ها نقل کرده‌اند، از اشعار شاعران سده‌ی ۴ و ۵ (ه.ق)، چون ناصر خسرو و عنصری است، باید این ابوحفص را شخص دیگری و زمان او را بعد از سده‌ی ۵ ق دانست.» (میرانصاری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۳۷۳)

سومین فرهنگ، لغت فرس اسدی طوسی است که از دو فرهنگ پیشین، مفصل‌تر است. در این فرهنگ که بر اساس حرف آخر واژگان تنظیم شده، برای هر واژه، شاهد یا شواهدی آورده شده‌است. تعدد نسخه‌های خطی موجود از این فرهنگ و اختلاف فراوان در آن‌ها موجب تفاوت‌های بسیاری در تصحیح‌های مختلف این فرهنگ شده‌است. کم‌دقتی و تصرف‌هایی که نسخه‌برداران در کتابت خود داشته‌اند، موجب شده تا شواهدی که در یک نسخه برای واژه‌ای ضبط شده، در نسخه‌ی دیگر آورده نشود و کاتبان بنا به سلیقه خود، شواهدی را حذف یا با شواهدی دیگر، جایگزین کنند؛ همچنین در برخی موارد، واژه‌هایی را از لهجه‌های محلی یا برگرفته از گویش خود، در فرهنگ دخیل نمایند؛ برای نمونه به نسخه‌ای از این فرهنگ، موسوم به لغت فرس نخجوانی می‌توان اشاره کرد. در این نسخه علاوه بر متن لغت فرس، واژه‌ها و شواهدی در حاشیه‌ی کتاب اضافه شده که با روش متن اصلی هماهنگی ندارد. (ر.ک: مجتبیایی، ۱۳۶۵: ۸)

فرهنگ صحاح/الفرس، تألیف هندوشاه نخجوانی، فرهنگی است که بر فرهنگ‌های پس از خود تأثیر بسیاری گذاشته‌است. این فرهنگ در مقایسه با فرهنگ‌های قبل از خود، بسیار مفصل‌تر نوشته شده و از لغت فرس اسدی طوسی نیز بهره برده و بسیاری از واژه‌ها و شواهد در این فرهنگ با لغت فرس اسدی، یک‌سان است. پس از فرهنگ‌هایی که نام برده شد، فرهنگ‌های زیاد دیگری با شواهد شعری تألیف گردیده که تقریباً همه‌ی آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از این سه فرهنگ متأثر بوده‌اند.

## ۱. ۲. آسیب‌شناسی تصحیح نفیسی از اشعار رودکی

نفیسی با بهره‌گیری از این فرهنگ‌ها توانسته است ابیاتی را به دیوان رودکی بیفزاید؛ ولی به دلایلی که ذکر می‌شود، کار وی در مواردی قابل تأمل است؛ از جمله:

۱. عدم نقل نسخه بدل‌های ابیات رودکی در فرهنگ‌های مورد استفاده.

نفیسی در اولین چاپ کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، برای ابیات ضبط شده در بخش سوم، نسخه‌بدل‌ها را ذکر کرده‌اند؛ اما در چاپ دوم این کتاب که در سال

۲۰ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۰، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۷ (پیاپی ۳۶)

۱۳۳۶ با انجام اصلاحات و اضافاتی همراه بود، این نسخه‌بدل‌ها از متن کتاب برداشته شده‌است. وی در مقدمه‌ی چاپ دوم نوشته است که «نسخه‌بدل‌های اشعار نیز در چاپ اول هست و تنها برخی از محققان را سودمندست و برای دیگران جز افزودن بر حجم کتاب فایده‌ی ندارد.» (نفیسی، ۱۳۳۶: ۱)

۲. ورود برخی صورت‌های متفاوت از یک بیت (در برخی موارد سه صورت متفاوت) در اشعار پراکنده‌ی رودکی به وسیله‌ی نفیسی که نتیجه‌ی عدم مقابله‌ی نسخه‌بدل‌های این ابیات است.

برخی از ابیات منسوب به رودکی در منابع مختلف از جمله فرهنگ‌ها، گاهی به دو یا سه صورت، ضبط شده‌اند که خواننده در مقابله‌ی این ابیات با هم، متوجه خواهد شد که هر دو صورت ارائه شده، در واقع یک بیت با ضبط‌های مختلف هستند. شایسته‌ی یادآوری است این‌گونه ابیات به تبعیت از کار نفیسی، در همه‌ی تصحیح‌های موجود دیوان رودکی مشاهده می‌شود. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۴۸-۵۵۰-۵۵۱)

۳. عدم ذکر همه‌ی انتساب‌های موجود در منابع؛ به گونه‌ای که تنها در مواردی معدود، انتساب‌های ابیات رودکی به شاعران دیگر ذکر شده‌است.

نفیسی در بخشی از کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی موسوم به «اشعار رودکی منسوب به دیگران»، تنها به بیان نام شاعری که بیت رودکی منسوب به وی است، اکتفا کرده؛ حال آن‌که پژوهشگران با مراجعه به این بخش نمی‌توانند تشخیص دهند در کدام منبع، شعر رودکی به چه شاعر دیگری منسوب است. ضمن این‌که فهرست ارائه شده از این انتساب‌ها، فهرست کاملی نیست. با مراجعه به منابعی که نفیسی بررسی کرده، همچنین منابعی که در اختیار او نبوده‌است، ابیاتی دیده می‌شود که علاوه بر رودکی به دیگر شاعران حوزه‌ی خراسان نیز منسوب است. گاهی این ابیات در فرهنگ‌های لغت، به چند شاعر منسوب شده و این موضوع، خود یکی از دشواری‌های پژوهش در حوزه‌ی اشعار شاعران خراسان به شمار می‌رود.

۴. اعتماد به برخی از انتساب‌های غلط در نسخه‌های خطی فرهنگ لغت فرس، سروری و ... (برای نمونه، می‌توان به نسخه‌ی خطی از فرهنگ اسدی مورخ ۸۷۱، یا فرهنگ خطی مدرسه‌ی علوم سیاسی، اشاره کرد که منبع مستند وی بوده‌است؛ حال آن‌که برخی از ابیات منسوب به رودکی در این نسخ، در سایر فرهنگ‌ها به شاعران دیگری نسبت داده شده‌اند و یا برعکس).

۵. پنهان ماندن برخی از ابیات رودکی در فرهنگ‌های مورد استفاده؛ برای نمونه می‌توان به این بیت اشاره کرد:

بنا نخواهم گفتن تهام مدح تو را      که شرم دارد خورشید اگر کنم سپری  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۶۱)

تنها منبعی که نفیسی برای این بیت در دیوان اشعار رودکی نقل می‌کند، دانشنامه‌ی قدررخان است. حال آن‌که این بیت در لغت فرس اسدی، تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۵۱۸) و صحاح‌الفرس هندوشاه نخجوانی (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۳۰۴) نیز آمده‌است.

## ۲. پنهان ماندن برخی فرهنگ‌ها از دید نفیسی

باید اذعان کرد که بازیابی اشعار رودکی یا هر شاعر دیگری در این فرهنگ‌ها به دلیل تعدد منابع و ضبط‌ها خالی از اشکال نخواهد بود. از برخی فرهنگ‌ها در تصحیح نفیسی استفاده نشده‌است؛ مانند فرهنگ قواس، فرهنگ مجموعه‌الفرس، فرهنگ مدرسه سپهسالار موسوم به فرهنگ قطران، فرهنگ بهار عجم، فرهنگ عجایب‌اللغه و ... لغت فرس اسدی تصحیح‌های متعدد دارد، نفیسی سه تصحیح پاول هرن، عباس اقبال آشتیانی و دبیرسیاقی را بررسی کرده ولی از تصحیح مجتبابی استفاده نکرده‌است.

نفیسی در کار خود، از سه نسخه‌ی خطی فرهنگ مجمع‌الفرس سروری استفاده کرده که اغلب کاستی‌هایی در آن‌ها وجود داشته‌است. همچنین برخی فرهنگ‌ها با استفاده از نسخه‌ی خطی مختصری، بررسی شده‌اند؛ حال آن‌که نسخه‌های مفصل‌تری نیز از آن‌ها در کتابخانه‌ها وجود دارد؛ مانند فرهنگ شرح بحر‌الغرائب یا لغت حلیمی.

برخی از فرهنگ‌های موجود، هنوز تصحیح انتقادی نشده‌اند و لازم است صحت انتساب اشعار رودکی در این فرهنگ‌ها مورد واکاوی قرار گیرد. یکی از این منابع، فرهنگ ناشناخته‌ای است که دو نسخه از آن، یکی مفصل، در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و دیگری مختصر، در کتابخانه‌ی ملی نگه‌داری می‌شود.

با توجه به پیشینه‌ی پژوهش در اشعار به جای مانده از رودکی که به وسیله‌ی براگینسکی، میرزایف، نفیسی و مصححان دیوان رودکی در سه دهه‌ی اخیر صورت گرفته و مغفول ماندن برخی از فرهنگ‌ها در بین منابع ذکر شده در تصحیح این بزرگان، در مقاله‌ی حاضر، این فرهنگ با چهار رویکرد بررسی شده‌است:

۱. بررسی ابیات نویافته و منتسب به رودکی؛

۲. بررسی انتساب برخی ابیات ذکر شده در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی و سایر مجموعه شعرهای رودکی، به شاعرانی دیگر؛
۳. بررسی ضبط‌های منحصر به فرد ابیات منتسب به رودکی؛
۴. بررسی و نقد ضبط‌های کاتب یا مؤلف این فرهنگ در دو نسخه یافت شده از آن.

## ۲. معرفی فرهنگ ناشناخته

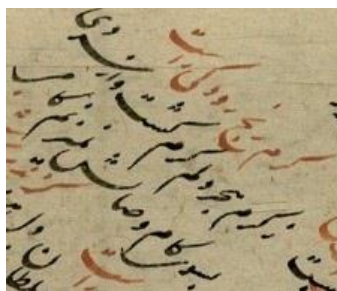
این فرهنگ، لغت‌نامه‌ای مختصر و فارسی به فارسی، با شواهد شعری از شاعران مشهور یا گم‌نام قرن‌های چهارم تا هفتم هجری است. از آن‌جا که مؤلف در برخی مواضع این فرهنگ، به اشعار شمس فخری (م ۷۴۵) استشهاد کرده‌است، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف آن بین سده‌های ۸ و ۹ می‌زیسته‌است. علاوه بر شاعران مشهور، نام سرایندگانی در این فرهنگ آمده که آوازه‌ی کم‌تری دارند. مانند: آغاجی، اورمزدی، ابوشعیب، ابوالمثل، ابوالفرج، امینی، بدرالدین افراهی، بدرالدین قوامی، بدر فراهنده، بهرامی، جمال عزیزی، حمیدالدین، خفاف، خلاق‌المعانی، رضی نیشابوری، رفیعی، روح‌الکلام، سیدحسین کریم اصفهانی، شمس‌الدین کوتوالی، شمس طبس، شهاب‌الدین، شهید، صدر بعیر، طنان، ظهیر رسیوی، عبدالرزاق، عبدالواسع، فخر جرجانی، فرید، کریم‌الدین، کمال‌الدین، لیبیدی، مجیر بیلقانی، مسعود، معزی، مفخر زرکوب یا فخر زرکوب و منجیک. اسامی بعضی از این شاعران در دو نسخه‌ی ملی و دانشگاه، همچنین در آغاز این دو نسخه یک‌سان است.

از این فرهنگ دو نسخه در دست است: نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران بدون تاریخ، به شماره‌ی ۴۷۳۶ و نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی بدون تاریخ، به شماره‌ی ۱۵-۶۲۱۴. هر دو نسخه با توجه به ویژگی‌های خطی و نگارشی، احتمالاً از قرن سیزده هجری قمری است. این دو نسخه شباهت‌های زیادی دارند و به همین دلیل، هر دو نسخه را باید تحریری از یک نسخه‌ی قدیمی‌تر دانست. در هر دو نسخه، کم‌بودهایی نیز مشاهده می‌شود؛ در نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، ابواب «ث، ج، چ، ح، خ، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع» نیامده و در نسخه‌ی دانشگاه تهران، در مقایسه با ملی، شواهد و لغاتی حذف شده‌است. «احسان شواربی مقدم» از هر دو نسخه‌ی این فرهنگ در گردآوری اشعار منجیک ترمذی استفاده و سه بیت نویافته از این شاعر را بر اساس نسخه‌ی دانشگاه تهران، گزارش کرده‌است. (منجیک ترمذی، ۱۳۹۱: ۳۸)

در این پژوهش، با واکاوی این دو نسخه از فرهنگ مذکور، اشعار رودکی بررسی شد و چهار بیت یافته شد که در هیچ منبعی به نام رودکی ضبط نشده است. دو بیت در برخی فرهنگ‌های متأخر مانند فرهنگ شعوری، به نام «اسدی» و بیتی دیگر در فرهنگ قواس، صحاح‌الفرس و فرهنگ رشیدی، به نام «شهید بلخی» با اختلاف نقل شده که این انتساب‌ها بررسی بیش‌تری می‌طلبد. در این فرهنگ، برخی از ابیات منسوب به رودکی، به شاعرانی دیگر نسبت داده شده که توجه به این انتساب‌ها نیز اهمیتی ویژه دارد. همچنین ضبط‌های منحصر به فردی از ابیات منقول و منسوب به رودکی در این فرهنگ دیده می‌شود که در پژوهش حاضر این ابیات و اختلافات آن با سایر منابع، بررسی شده است.

### ۳. ابیات نویافته در فرهنگ حاضر

۳. ۱. ز گرم هجر دلم گرم گشت و از سردی  
به سوی کام وصالش نمی‌زنم گامی  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۵)



نسخه‌ی دانشگاه تهران، برگ ۱۵

این بیت ذیل واژه «گرم» در معنی رنج، به نام رودکی آمده است. در لغت‌نامه این واژه به دو صورت «گرم» و «گرم» ضبط شده و ذیل هر کدام، بیتی دیگر از رودکی در جایگاه شاهد، آمده و در توضیحات ذیل واژه «گرم» این صورت، اصیل‌تر دانسته شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل گرم و گرم)  
در لغت فرس اسدی طوسی، «گرم» به معنی «اندوه» آمده و شواهدی از فردوسی و رودکی برای آن نقل شده است:

فردوسی: ز چنگال شیران همه دشت غرم  
رودکی: گر درم داری گزند آرد بدین  
دریده بر او دل پر از داغ گرم  
بفکن او را گرم درویشی گزین  
(اسدی طوسی ۱۳۱۹: ۳۴۰)

در فرهنگ رشیدی نیز ذیل واژه «گرم» آمده است: «اندوه و گرفتگی دل و به کاف تازی نیز گفته‌اند و اصح همین است.» (تتوی، ۱۳۳۷، ج ۲: ۱۱۳۶) هرچند این بیت منسوب به رودکی تنها در این فرهنگ دیده شده، این انتساب مورد تردید است. اگر واژه‌ی گرم صحیح باشد، «گرم» و «گرم»، جناس خطی و «کام» و «گام»، جناس مضارع دارند؛ همچنین هجر و وصال، سردی و گرم، بیانگر صنعت تضاد در این بیت هستند و رعایت این نوع جناس و صنایع ادبی در سبک رودکی و در زمان او چندان رایج نیست.

۲.۳ چشم من بارد سرشک همچو هین کز سر دنیا و دین برخیز هین  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۷)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۷

این بیت ذیل واژه «هین» به معنی «سیل»، تنها در نسخه‌ی دانشگاه تهران آمده و تاکنون در منبعی دیگر، یافت نشده است. در لغت فرس / اسدی ذیل این واژه آمده است: «شتاب فرمودن است، دیگر سیلاب، دقیقی گوید:

از کوهسار دوش برنگ می هین آمد ای نگار می آور هین»  
(اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۶۴)

در صحاح/الفرس نیز همین شاهد برای واژه‌ی «هین» آمده است. (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۲۵۶) بر اساس تأملات صورت گرفته در سایر فرهنگ‌ها، تاکنون در هیچ منبعی این بیت و بیت پیشین که ذکر آن گذشت، دیده نشده‌اند؛ بنابراین تا پیدا شدن سندی دیگر می‌توان این دو بیت را نویافته و منحصر به فرد از رودکی بدانیم. شایسته‌ی یادآوری است که بیت اخیر در فرهنگ حاضر، بر وزن کلیله و دمنه و سندبادنامه سروده شده است.

#### ۴. ابیات منسوب به رودکی در فرهنگ ناشناس

۴. ۱. آستین از برای رنج دلم تا به آرنج برکشی هر دم  
(دانشگاه تهران: برگ ۷)





نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۷

این بیت در نسخه‌ی دانشگاه تهران، ذیل واژه‌ی «آرنج» به معنی «آرش»، به نام رودکی آمده و با اندک تفاوتی در فرهنگ *لسان‌العجم* (فرهنگ شعوری) ذیل همین واژه، از «اسدی» دانسته شده‌است. هر چند در کتاب *شرح احوال شاعران بی‌دیوان جزو اشعار باقی مانده از اسدی ثبت نشده‌است*. (ر.ک: مدبری، ۱۳۷۰: ۵۴۶)

آستین از برای رنج دلم تا به آرنج می‌زنی هر دم  
(شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۶۶)

در لغت‌نامه‌ی دهخدا این بیت با اندکی اختلاف در مقایسه با بیت بالا، به استناد فرهنگ شعوری به اسدی منسوب شده‌است:

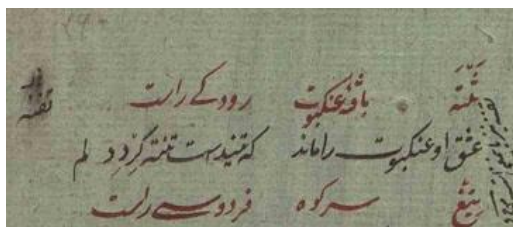
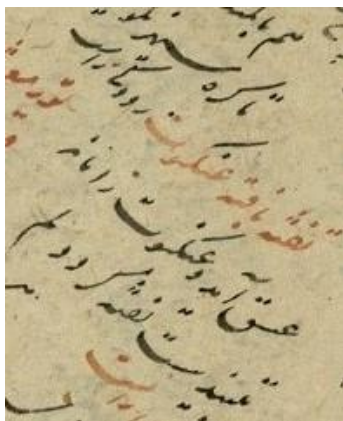
آستین از برای رنج و الم تا به آرنج برزنی هر دم  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه آرنج)

بر اساس آنچه گفته شد، این دو بیت منحصراً در نسخه‌ی دانشگاه تهران فرهنگ حاضر، به رودکی نسبت داده شده‌اند.

۲.۴. عشق او عنکبوت را ماند که تنیده‌است تنته گرد دلم  
(کتابخانه ملی: برگ ۲۶)

این بیت در نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، ذیل واژه‌ی «تنته» به معنی «بافته عنکبوت» و در نسخه‌ی دانشگاه تهران ذیل واژه‌ی «تفته» و به صورت آشفته، هر دو به نام رودکی ضبط شده‌است:

عشق آید و عنکبوت را ماند بتنیده ست تفته گرد دلم  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۰)



نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی: برگ ۲۶

نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۰

بیت مذکور در فرهنگ قواس (قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۳۰)، به شاهد واژه‌ی «تفنه»؛ در فرهنگ صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۲۷۰)، به شاهد واژه‌ی «تفنه» و در فرهنگ رشیدی (تتوی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴۳۵)، به شاهد واژه‌ی «تفنه و تفنی»، به نام «شهید بلخی» ضبط شده‌است. بیت یادشده در کتاب شرح/حوال و اشعار شاعران بی‌دیوان نیز با اندکی اختلاف، جزو اشعار شهید بلخی آمده‌است:

عشق او عنکبوت را ماند      است تفنه کرد دلم بتنیده  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۳)

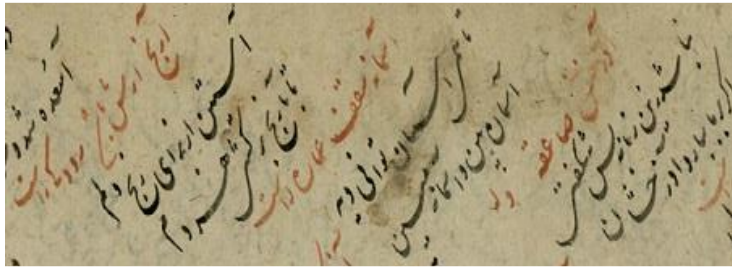
بر اساس آنچه گفته شد این دو بیت منحصرأ در این فرهنگ، به رودکی نسبت داده شده‌است.

## ۵. انتساب ابیاتی از دیوان رودکی به دیگر شاعران

۵. ۱. نباشد زین زمانه بس شگفتی      اگر بر ما ببارد آذرخشان  
(دانشگاه تهران: برگ ۷)

این بیت در لغت فرس اسدی تصحیح مجتبیایی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۱۲۹)، صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۴۷) و دیگر منابع لغوی معتبر، به نام رودکی ضبط شده؛ اما در فرهنگ ناشناخته، این بیت ذیل واژه‌ی «آذرخش»، به عماره نسبت داده شده‌است. با این‌که حرف دوم در ترتیب واژه‌های این فرهنگ رعایت نشده‌است، این امکان نیز وجود دارد که کاتب، واژه را جابه‌جا نوشته باشد؛ زیرا در نسخه، شاهد واژه‌ی «آرنج» از رودکی

است و شاهد واژه‌ی «آسمانه» از عماره؛ واژه‌ی سوم، «آذرخش» است که «وله» قید شده‌است که در صورت جابه‌جایی، این بیت به رودکی منسوب می‌شود.



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۷

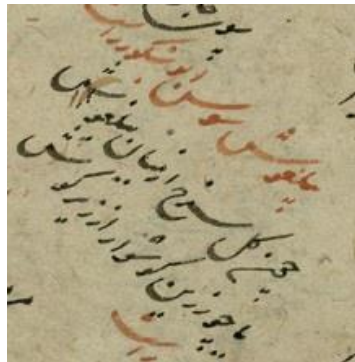
ضبط واژه‌ی «آذرخشان» در این بیت، تاکنون در متون خطی سابقه نداشته و از این نظر، ضبطی نویافته محسوب می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد این ضبط، ضبطی متأخر و نادرست باشد؛ زیرا در سایر منابع خطی متقدم، این واژه به صورت «آذرخشا» آمده که حرف «الف» در آخر واژه، از ویژگی‌های سبکی این دوره محسوب می‌شود و در آثار به جای مانده، مکرر دیده می‌شود. نظیر چنین ضبطی در نسخه‌های خطی به جای مانده از صحاح/الفرس نیز دیده می‌شود. در این فرهنگ، واژه‌ی «مادندرا» در بیت زیر، به صورت «مادندران» ضبط شده:

جهانا چونینی تو با بچگان	که گه مادری گاه مادندرا
نه پاذیر باید تو را نه ستون	نه دیوار خشت و نه ز آهن درا

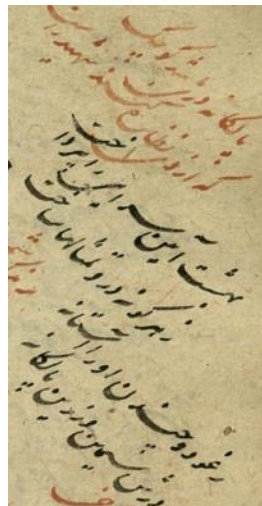
(امامی، ۱۳۸۴: ۱۱۷، ح ۱)

۵. ۲. بهشت‌آیین سرایی را بپرداخت ز هرگونه در او تمثال‌ها ساخت  
 ز عود و چندن او را آستانه درش سیمین و زرین پالکان  
 (دانشگاه تهران: برگ ۹؛ کتابخانه ملی: برگ ۲۱)

مؤلف فرهنگ حاضر این ابیات را ذیل واژه‌ی «پالکانه»، به معنی «دری باشد کوچک که از وی بیرون را نظاره کنند»، به نام «شهید» آورده‌است. در نسخه‌ی دانشگاه تهران، برگ ۶ و کتابخانه‌ی ملی، برگ ۲۴، بیت دوم ذیل واژه‌ی «پالکانه» به معنی «در مشبک»، یک بار دیگر نقل شده؛ اما به نام «ابوالمثل» ضبط گردیده‌است. در حالی که در سایر منابع از جمله لغت فرس اسدی تصحیح مجتبایی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۲۱۸) و تحفه الاحباب (اوبهی، ۱۳۶۵: ۹۶) و سایر منابع لغوی، این شعر به نام رودکی ثبت شده‌است.



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۹



۵. ۳. چون گل سرخ از میان پیلغوش  
یا چو زرین گوشوار از زیر گوش  
(دانشگاه تهران: برگ ۹؛ ملی: برگ ۲۴)

این بیت در فرهنگ حاضر، ذیل واژه‌ی «پیلغوش» به معنی «سوسن»، به نام «ابوشکور» آمده؛ در حالی که در چاپ‌های دیوان رودکی از جمله تصحیح نفیسی (رودکی، ۱۳۸۴: ۵۷۱) و تصحیح امامی (رودکی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) و دیگران، جزو اشعار باقی مانده از کلیله و دمنه و سندبادنامه، آمده‌است. هم‌چنین «زیر گوش» در این بیت، در مقایسه با سایر منابع که بیت مذکور را ضبط کرده‌اند، ضبطی منحصر به فرد محسوب می‌شود.

در منابع لغوی از جمله لغت فرس اسدی تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۲۱۰) و تصحیح دبیرسیاقی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ۷۴)، صحاح الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۴۹) با اختلاف «پیلغوش» و هم‌چنین کتاب شرح بحر الفرائب (لغت حلیمی) (نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی برگ ۵۷)، این بیت با اختلاف «از خوب گوش» به نام رودکی آمده‌است. هم‌چنین بیت مذکور در لسان‌العجم (فرهنگ شعوری) به صورتی مغشوش به نام رودکی ضبط شده‌است:

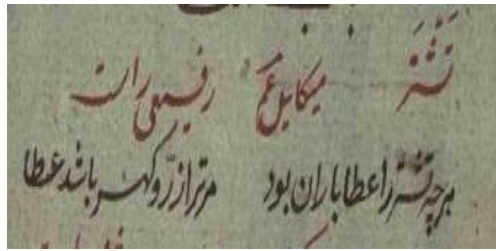
چون بود سرخ از میان پیلگوش  
باخور زین «کذا» گوشوار و خوب گوش  
(شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۲۰۸)

بنابراین به اتفاق اغلب منابع متقدم در انتساب بیت یاد شده به رودکی، انتساب آن به بوشکور بلخی در فرهنگ حاضر درست به نظر نمی‌رسد.

۵. ۴. هرچه تشر را عطا باران بود      مر تو را زرّ و گهر باشد عطا  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۰؛ کتابخانه ملی: برگ ۲۵)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۰



نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی: برگ ۲۵

در فرهنگ حاضر بیت مذکور ذیل واژه‌ی «تشر» در معنی «میکائیل»، به شاعری به نام «رفیعی» منسوب شده؛ در حالی که در چاپ‌های دیوان رودکی، از جمله تصحیح نفیسی (رودکی، ۱۳۸۲: ۵۴۷)؛ تصحیح دانش‌پژوه (رودکی، ۱۳۷۴: ۶۵) و تصحیح شعار (رودکی، ۱۳۷۸: ۶۸) در بخش ابیات پراکنده، از رودکی دانسته شده و به صورت زیر آمده‌است:

گرچه بشتَر را عطا باران بود      مر تو را زرّ و گوهر باشد عطا  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۷۴)

همچنین امامی این بیت را با اختلاف «تشر» به جای «بشتر»، ضبط کرده‌است. (ر.ک: امامی، ۱۳۸۵: ۶۷)

سروری در مجمع‌الفرس، بیت مذکور را با استناد به تحفه‌الاحباب و رساله ابوحفص سغدی، بدون ذکر نام شاعر آن بدین صورت آورده‌است: «بشتر: نام حضرت میکائیل است. مثالش شاعر گوید:

گرچه بشتَر را عطا باران بود      مر تو را در و گوهر باشد عطا  
کذا فی تحفه. اما ابوحفص سغدی، بشتَر را به معنی ابر آورده و همین بیت مرقوم را به استشهاد آورده است.» (سروری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۱۳۵)

در لغت فرس اسدی ذیل واژه‌ی «بشتر»، بیتی از دقیقی برای شاهد آن آمده‌است:  
بشتر راد خوانمت شرک است      او چو تو کی بود به گاه عطا  
(اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۵۲)

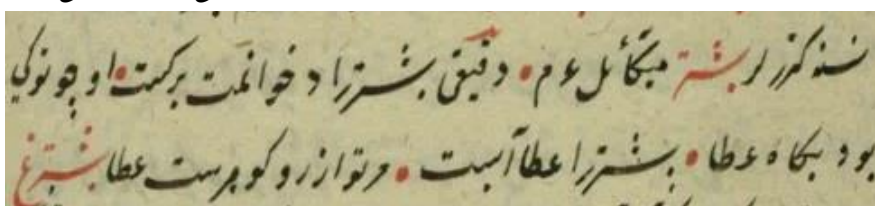
و در لغت‌نامه بیت یادشده، چنین نقل شده‌است:

۳۰ \_\_\_\_\_ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۰، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۷ (پیاپی ۳۶)

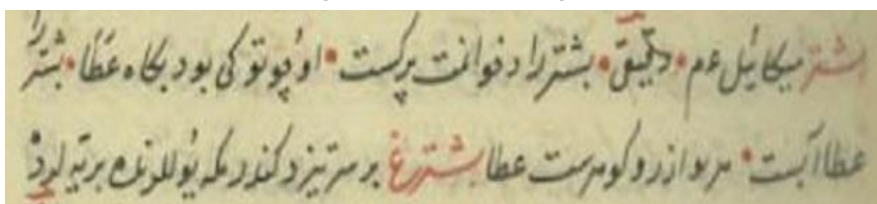
بشتر راد خوانمت پرگست او چو تو کی بود به گاه عطا  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل بشتر)

در فرهنگ حلیمی نیز این بیت به صورتی دیگر به نام دقیقی ضبط شده است:

بشتر راد خوانمت پرگست او چو تو کی بود به گاه عطا  
بشتر را عطا آب است مر تو از زر و گوهر است عطا  
(لغت حلیمی، کتابخانه ملی: ۹۲)



لغت حلیمی، نسخه‌ی کتابخانه ملی: برگ ۹۲



لغت حلیمی، نسخه‌ی مجلس: برگ ۱۸

در فرهنگ شعوری نیز بیت با اختلافی به نام دقیقی آمده است:

هر چه تشتر را عطا باران بود مر تو را در و گوهر باشد عطا  
(شعوری، ۱۱۵۵، ج ۱: ۲۷۷)

در لغت‌نامه ذیل واژه «تشر» بیت مذکور بدون نام شاعر آن، از لغت فرس اسدی نقل شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه تشر)

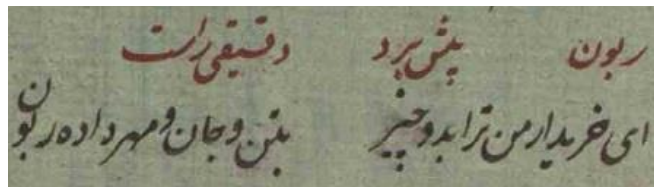
با توجه به نقل این بیت در منابع به نام دقیقی، به نظر می‌رسد که «رفیعی»، مصحف «دقیقی» باشد و یا برعکس. در کتاب شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، تصحیح «محمود مدبری» درباره‌ی «رفیعی» آمده است: «یک بیت به شاهد لغت در لغت فرس اسدی به نام او آمده است. ذکر شاعری بدین نام در اوایل قرن پنجم در تذکره‌ها نیامده؛ احتمال دارد که این نام، رافعی باشد؛ زیرا هم این بیت با یک بیت رافعی در یک صفحه از آن کتاب آمده و هم در دو بیت در حاشیه‌ی نسخه‌ای از لغت فرس، در یک‌جا نوشته شده است. رفیعی دیگری که نظامی عروضی او را از شاعران آل شنسب ذکر می‌کند، از نظر زمانی با این شاعر مطابقت ندارد.» (مدبری، ۱۳۷۰: ۳۹۱)

لازم به ذکر است که از «رافعی نیشابوری» که محمود مدبری از آن سخن به میان آورده، دو بیت بر جای مانده که بیت مورد بحث، جزو این دو بیت نیست. (ر.ک: مدبری، ۱۳۷۰: ۳۹۰)

نفیسى در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، با استناد به دو منبع مجمع‌الفرس سروری و فرهنگ مدرسه‌ی علوم سیاسى، این بیت را به نام رودکی آورده‌است. از آن جا که در فرهنگ مجمع‌الفرس این بیت بدون نام شاعر ضبط شده و همچنین در لغت‌نامه، ذیل واژه «تشر» و «بشتر» این بیت به نقل از فرهنگ اسدی، سروری، رشیدی، انجمن‌آرا و دیگران، بدون نام شاعر ضبط شده، احتمال می‌رود که تنها در فرهنگ مدرسه علوم سیاسى به نام رودکی آمده باشد؛ در تصحیح امامی نیز در حاشیه‌ی این بیت، با استناد به یکی از نسخ خطی لغت فرس، به نام رودکی نقل شده؛ در حالی که این نسخه به احتمال زیاد، از دید نفیسى به دور بوده‌است؛ چون ذکرى از آن به عنوان منبع بیت در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی نیست. (ر.ک: امامی، ۱۳۸۵: ۶۷)

با این توضیح، ضبط بیت به نام رودکی که در دیوان اشعار به جای مانده از وی آمده، مورد تردید است.

۵. ۵. ای خریدار من تو را به دو چیز به تن و جان و مهر داده ربون  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۲؛ کتابخانه ملی: برگ ۲۹)



نسخه‌ی کتابخانه ملی: برگ ۲۹



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۲

این بیت در نسخه‌ی دانشگاه، ذیل واژه «ریون» به معنی «بیش برد» و در نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، ذیل واژه «ریون» به همان معنی، به نام دقیقی آمده؛ در حالی که در چاپ‌های دیوان رودکی، از جمله تصحیح نفیسی (رودکی، ۱۳۸۲: ۵۸۸)؛ تصحیح دانش‌پژوه (رودکی، ۱۳۷۴: ۷۲)؛ تصحیح امامی (رودکی، ۱۳۸۷: ۸۴) و تصحیح کریمیان سردشتی (رودکی، ۱۳۸۸: ۲۱۰) بیت مذکور در بخش ابیات پراکنده‌ی رودکی آمده‌است. تنها در تصحیح جعفر شعار، بیت مذکور در بخش ابیات منسوب به رودکی به نام دقیقی ثبت شده‌است. (شعار، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

همچنین در لغت‌نامه ذیل واژه «ربون» این بیت به نام رودکی نقل شده و در حاشیه‌ی آن آمده‌است: «در آندراج و برخی فرهنگ‌های دیگر این بیت به عنوان استشهاد برای این واژه به نام دقیقی ضبط شده‌است.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ربون)

منبع نقل این بیت در کتاب محیط زندگی احوال و اشعار رودکی، دو فرهنگ لغت فرس اسدی و فرهنگ شعوری است. نفیسی با استناد به لغت فرس اسدی طوسی تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۸۴) و تصحیح دبیرسیاقی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ۱۶۱) همچنین فرهنگ شعوری این بیت را به نام رودکی ضبط کرده‌است. البته در هر دو تصحیح لغت فرس، مصححان در حاشیه به انتساب این ابیات به دقیقی اشاره کرده‌اند. عباس اقبال این بیت را که تنها در یک دست‌نویس از لغت فرس به نام رودکی ضبط شده‌است، آورده و در حاشیه متذکر شده که در فرهنگ رشیدی، این بیت به دقیقی نسبت داده شده‌است. (رک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۸۴)

دومین منبع که نفیسی برای استناد به این بیت آورده، فرهنگ شعوری است. علامه دهخدا این بیت را به نام رودکی آورده؛ اما در همان صفحه، در نسخه‌ی مورد استفاده‌ی این پژوهش، بیت مذکور به دقیقی منتسب شده‌است. ممکن است در چاپ سنگی مورد استفاده‌ی وی، بیت مذکور به نام رودکی ضبط شده و در چاپ دیگری به نام دقیقی ضبط شده باشد. (شعوری، ۱۱۵۵، ج ۲: ۱۱)

پیشین ویربلان آنچه و ببتلری مدعاسنه دلیل ایراد ابلش استاد دقیق بیت ای خریدار  
من ترا بدو چیز \* بتن و جان و مهر داده ر بون \* میرخسرو بیت خصم تو در رزم بردا خوار \*

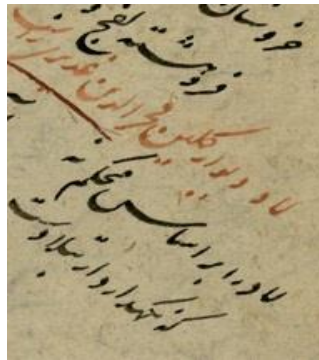


در مجمع الفرس سروری نیز این بیت به استشهد واژه «ربون» به نام دقیقی ضبط شده است. (ر.ک: سروری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۶۳۰)

در فرهنگ مورد بررسی، واژه‌ی «ربون» به معنی «بیش برد» آمده؛ در حالی که این معنی در هیچ یک از فرهنگ‌های لغت نیامده است. قطعاً در ضبط معنی واژه در دو نسخه‌ی دانشگاه تهران و نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، تصحیف رخ داده و اصل آن به صورت «پیش مزد» بوده است.

در لغت‌نامه، همه‌ی معانی‌ای که فرهنگ‌های لغت برای این واژه آورده‌اند، نقل شده که معنی «پیش مزد» یعنی پولی که پیش از کار کردن به مزدور دهند، به ضبط این فرهنگ نزدیک است. (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ربون).

۵. ۶. لاد را بر اساس محکم نه که نگه‌دار دار تبلاد است  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۶)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۶

این بیت ذیل واژه‌ی «لاد» به معنی «دیوار گلین»، به نام «فخرالدین غدیری» آمده و در چاپ‌های دیوان رودکی از جمله تصحیح دانش‌پژوه (رودکی، ۱۳۷۴: ۶۶)؛ تصحیح امامی (رودکی، ۱۳۸۷: ۷۰) و تصحیح کریمیان سردشتی (رودکی، ۱۳۸۸: ۱۹۸) این بیت با اختلافی در مصراع اول و دوم، در بخش ابیات پراکنده به رودکی منتسب است:  
لاد را بر بنای محکم نه دار لاد بنلاد است که نگه  
(امامی، ۱۳۸۷: ۷۰)

نفیسی این بیت را به صورت زیر در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، در بخش ابیات پراکنده رودکی ضبط کرده است:

لاد را بر بنای محکم نه دار لاد بنیاد است که نگه  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۴۸)

بیت مذکور در دیوان رودکی تصحیح جعفر شعار نیز در بخش ابیات منسوب به رودکی، به نام «فرالای» آمده است. (شعار، ۱۳۷۸: ۱۰۶)

در کتاب‌های لغت از جمله لغت فرس اسدی طوسی، در سه تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵)؛ تصحیح دبیرسیاقی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ۴۶) و تصحیح مجتبابی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۷۹) و مجمع‌الفرس (سروری، ۱۳۳۸: ۱۳۱)، ذیل واژه «بنلاد»؛ همچنین در فرهنگ‌های صحاح‌الفرس (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۸۷)؛ لسان‌العجم (شعوری، ۱۱۵۵، ج ۱: برگ ۲۱۲)، ذیل واژه «بنلاد»، بیت مذکور به نام فرالای نقل شده است. در فرهنگ وفایی نیز بیت یاد شده ذیل واژه «بنلاد»، بدون ذکر نام گوینده‌ی آن آمده است. (وفایی، ۱۳۷۴: ۳۲)

تنها اشاره به سراینده‌ی بیت که به ضبط فرهنگ ناشناس نزدیک است، ضبط فرهنگ رشیدی است. در این فرهنگ ذیل واژه‌ی «لاد» آمده:

«لاد: هر رده‌ی دیوار که آن را چینیه‌ی دیوار و در شیراز نَسپه گویند؛ چنان‌که بن‌لاد بنای دیوار و سرلاد سر دیوار، فخری گفته است:

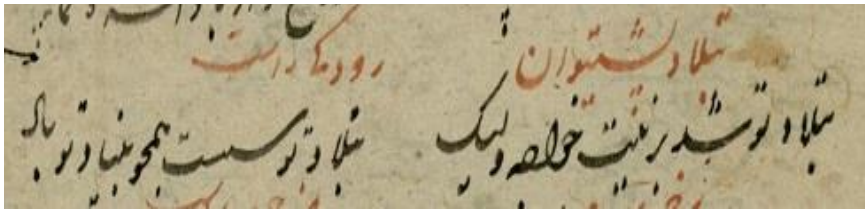
لاد را بر بنای محکم نه دار لاد بنلاد است» که نگه  
(تتوی، ۱۳۳۷: ج ۲: ۱۲۷۰)

این احتمال هست که «فخری» که در فرهنگ رشیدی آمده، همین فخرالدین غدیری باشد. در هر صورت، چیزی که به طور حتم واضح است، این است که شاعر این بیت با استناد به سایر فرهنگ‌ها، فرالای است.

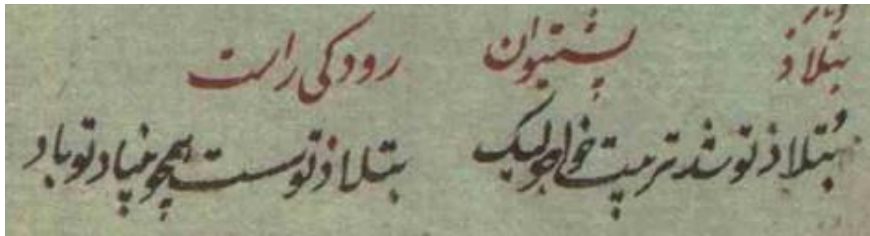
ضبط بیت به صورتی که در نسخه‌ی دانشگاه تهران آمده، تاکنون در کتب لغوی سابقه‌ای نداشته است. در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «تبلاد» آمده است: «کناره‌ی چوبی دیوار. (ناظم الاطباء)؛ چوبی که برای استحکام دیوار گذارند (لسان‌العجم شعوری، ج ۱، ص ۲۷۴ ورق الف)» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل تبلاد)

در فرهنگ حاضر، ذیل واژه‌ی «تبلاد»، بیت دیگری از رودکی آمده که واژه‌ی «بنلاد» به صورت تصحیف شده‌ی آن، به صورت «تبلاد» در نسخه‌ی دانشگاه تهران و «تبلاد» در نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی ضبط شده است:

تبلاد تو شد تربیت خواجه و لیک      تبلاد تو سست همچو بنیاد تو باد  
(دانشگاه تهران: برگ ۸)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۸



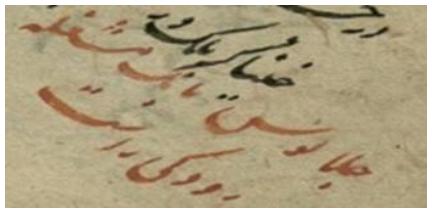
نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی: برگ ۲۰

بیت مذکور در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی به صورت زیر آمده است:  
تبلاد تو شد تربیت خواجه و لیک      تبلاد تو سست همچو بنیاد تو باد  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۴۲)

ضبط هر دو بیت مذکور و اختلافات آن‌ها، در منابع اشعار رودکی تاکنون سابقه نداشته و از این لحاظ، منحصر به فرد محسوب می‌شود و نیازمند بررسی بیشتر است.

#### ۶. اختلاف ضبطها و ضبطهای منحصر به فرد

۶.۱. بر گرد گل سرخ تو خطی بکشیدی      تا خلق جهان را بکشیدی به جلالوس  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۰)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۰



این بیت در نسخه‌ی دانشگاه تهران ذیل واژه «جلالوس»، به معنی «بانگ و مشغله»، از رودکی آمده و در سایر فرهنگ‌های لغوی، این واژه به صورت «خلالوش» ضبط شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل خلالوش).

بیت مذکور در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی به این صورت آمده است:  
گرد گل سرخ اندر خطی بکشیدی      تا خلق جهان را بفگندی به خلالوش  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۲۷)

بیت در عجایب‌اللغه بدین صورت ضبط شده است:

بر گرد گل سرخ خط سبز کشیدی      تا خلق جهان را بفگندی به خلالوش  
(ادیبی، [بی تا]: برگ ۳۳)

در «فرهنگ قطران» بدین صورت آمده است:

بر گرد گل سرخ کشیدی خط سبزی      تا خلق جهان را بفگندی به خلالوش  
(فرهنگ قطران، ۱۳۸۰: ۹۶)

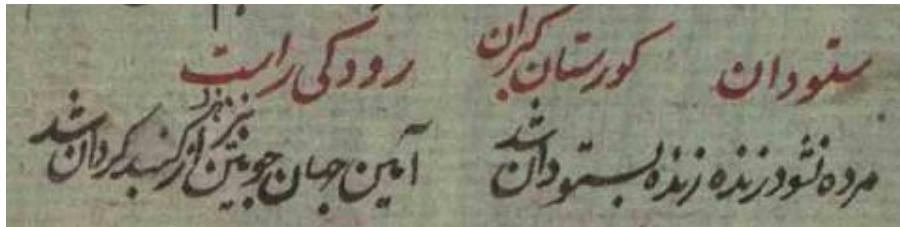
در فرهنگ آندراج نیز بدین صورت آمده است:

بر گرد گل سرخ کشیده خط سبزی      تا خلق جهان را فگند زآن به خلالوش  
(دهخدا، ۱۳۷۷: حاشیه حرف ه)

به نظر می‌رسد واژه‌ی «جلالوس» در این فرهنگ، همان واژه‌ی «خلالوش» در فرهنگ‌های دیگر است که در این جا دچار تصحیف شده و بی‌گمان عامل این تصحیف را باید بی‌سوادی یا کم‌سوادی کاتب نسخه‌ی مذکور دانست؛ زیرا ضبط واژه بدین صورت، در هیچ یک از فرهنگ‌های پیشین و متأخر سابقه نداشته است. در فرهنگ مدرسه‌ی سپهسالار، این واژه علاوه بر «خلالوش» به صورت «خلاپوش» نیز آمده که این صورت نیز تصحیفی از واژه‌ی «خلالوش» است (فرهنگ قطران، ۱۳۸۰: ۹۶). همچنین در مصراع دوم، ضبط «بکشیدی» نسبت به سایر ضبط‌های گزارش شده، تازگی دارد؛ اما به نظر می‌رسد این ضبط نیز نتیجه‌ی اشتباه کاتب باشد، زیرا در اغلب منابع این واژه به صورت «بفگندی» یا «بفگندی» آورده شده است.

بنابراین با توجه به شواهد ذکر شده در دیگر منابع، ضبط مصراع اول در این فرهنگ را می‌توان منحصر به فرد دانست و در مصراع دوم نیز ضبطی متفاوت از سایر منابع مشاهده می‌شود.

۶. ۲. مرده نشود زنده، زنده بستودان شد      آیین جهان چونین از گنبد گردان شد  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۳؛ کتابخانه ملی: برگ ۳۱)



نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی: برگ ۳۱



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۳

مؤلف فرهنگ حاضر این بیت را ذیل واژه «ستودان» به معنی «گورستان گبران»، از رودکی آورده‌است. در چاپ‌های دیوان رودکی با استناد به لغت فرس و اختلاف در مصراع دوم، بدین شکل آمده‌است:

مردۀ نشود زنده، زنده به ستودان شد  
 آیین جهان چونین تا گردون گردان شد  
 (نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۵۱)

در لغت‌نامه ذیل واژه‌ی «آیین و گردان»، بیت یاد شده بر اساس حدس علامه دهخدا، بدین صورت ضبط شده‌است:

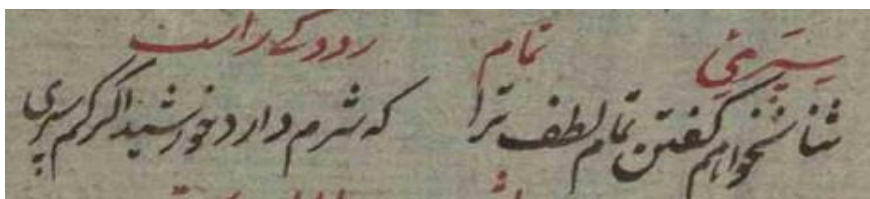
آیین جهان چونین تا گردون گردان شد  
 مردۀ نشود زنده و زنده به ستودان شد  
 ذیل واژه‌های «تا و ستودان» نیز بیت با اختلاف آمده‌است:  
 مردۀ نشود زنده، مردۀ به ستودان شد  
 آیین جهان چونین تا گردون گردان شد

همچنین در حاشیه‌ی واژه‌های «زنده و گردون»، بیت به صورت زیر آمده‌است:

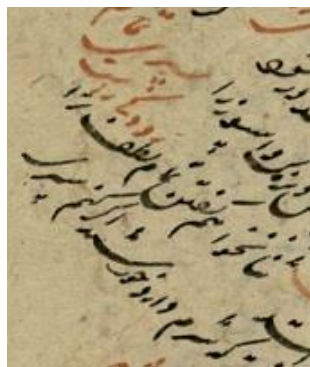
آیین جهان چونان تا گردون گردان شد  
 مرد او نشود زنده، زنده به ستودان شد  
 با توجه به این که بیت، پیش از این تنها در لغت فرس اسدی طوسی نقل شده، همچنین با توجه به مواردی که علامه دهخدا در لغت‌نامه برای این بیت ذکر کرده است،

می‌توان گفت ضبط مصرع دوم این بیت در فرهنگ حاضر، ضبطی نویافته و منحصر به فرد محسوب می‌شود.

۳.۶. ثنا نخواهم گفتن تمام لطف تو را که شرم دارد خورشید اگر کنم سپری  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۳؛ کتابخانه ملی: برگ ۳۲)



نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی: برگ ۳۲



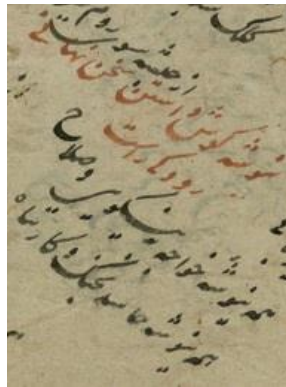
نسخه دانشگاه تهران: برگ ۱۳

این بیت در فرهنگ حاضر ذیل واژه‌ی «سپری» به معنی «تمام»، از «رودکی» آمده؛ در حالی که نفیسی آن را در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی، به صورت زیر نقل کرده‌است:

بتا نخواهم گفتن تمام مدح تو را که شرم دارد خورشید اگر کنم سپری  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۶۱)

تنها منبعی که نفیسی این بیت را با استناد به آن در دیوان اشعار رودکی نقل می‌کند، دانشنامه‌ی قدرخان است؛ حال آن‌که این بیت، علاوه بر این منبع، در لغت فرس تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۵۱۸) هم به نام رودکی و در صحاح الفرس هندوشاه نخجوانی (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۳۰۴) به نام «فرخی» نقل شده‌است؛ بنابراین با توجه به منابع نقل‌کننده‌ی این بیت، تاکنون ضبطی همانند ضبط این فرهنگ در منبعی مشاهده نشده و می‌توان آن را منحصر به فرد دانست.

۶. ۴. همه نیوشه‌ی خواجه به نیکویی و صلاح همه نیوشه‌ی حاسد به جنگ و کار تباہ  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۶)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۶

این بیت در فرهنگ حاضر، ذیل واژه‌ی «نیوشه» به معنی «گوش داشتن سخنهای نهانی»، آمده‌است. در دیوان رودکی تصحیح نفیسی، بیت مذکور در یک قطعه‌ی دو بیتی، بدین صورت آمده‌است:

اگر امیر جهاندار داد من ندهد      چهار ساله نوید مرا که هست خرام  
همه نیوشه‌ی خواجه به نیکویی و به صلح      همه نیوشه‌ی نادان به جنگ و کار نغام  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۲۹)

نفیسی این بیت را با استناد به لغت فرس اسدی طوسی، تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۴۳) و تصحیح دبیرسیاقتی (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ۷۱) آورده‌است. علاوه بر این، در مجمع‌الفرس سروری نیز این بیت ذیل واژه‌ی «نیوشه» از رودکی به صورت زیر ضبط شده‌است:

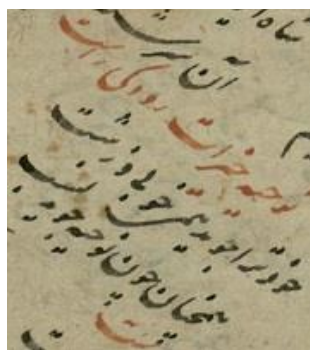
همه نیوشه‌ی خواجه به نیکویی و به صلحست      همه نیوشه‌ی نادان به جنگ و فتنه و غوغاست  
(سروری، ۱۳۳۸، ج ۳: ۱۴۶۰)

در لغت‌نامه ذیل واژه‌ی «نیوشه» این چنین نقل شده است:

همه نیوشه‌ی خواجه به نیکی و صلح است      همه نیوشه‌ی نادان به فتنه و غوغاست  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل نیوشه)

با توجه به اختلافات و منابعی که ذکر آن‌ها گذشت، ضبط مصراع دوم در این فرهنگ با توجه به سایر منابع، ضبطی منحصر به فرد محسوب می‌شود.

۵. خود تو را جوید همه خوبی و زشت      همچنان چون نوحیه جوید نسب  
(دانشگاه تهران: برگ ۱۶)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۶

این بیت در فرهنگ حاضر، ذیل واژه‌ی «نوحیه»، به معنی «خیرات» آمده‌است. کاملاً مشخص است که در ضبط واژه و معنی آن و ضبط بیت، تصحیف رخ داده‌است. نفیسی بیت مذکور را در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی چنین نقل کرده‌است:

خود تو را جوید همه خوبی و زیب      همچنان چون توجیه جوید نشیب  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۶۸)

واژه‌ی «توجیه» در تصحیح نفیسی و فرهنگ‌های دیگر، به صورت‌های «نوجبه»، «نوجیه»، «توجیه» و ... نقل شده‌است. درحاشیه‌ای که مؤلفان لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل واژه «نوجبه» آورده‌اند نوشته شده‌است:

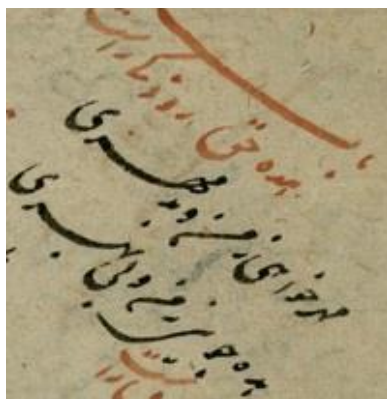
«این کلمه در بعض نسخ لغت فرس "توجه" ضبط شده‌است. استاد دهخدا درحاشیه‌ی لغت فرس خود نوشته‌اند: در منتهی‌الارب بیش از ده جا این کلمه توجه آمده‌است با تاء، نه نون و الله اعلم. رشیدی گوید فی مقاصد اللغه: العد؛ نوژبه، و عد به کسر عین و تشدید دال در قاموس به معنی آبی [است] که از چشم تراود؛ پس معلوم شد که اصل لغت فارسی نوژبه به زای فارسی است و [به]جیم تازی مولد است، و به معنی آب چشمه است؛ نه سیلاب؛ ولی در منتهی‌الارب آمده: سیل؛ بالفتح، توجه». (ازحاشیه‌ی برهان قاطع چ معین: نوجبه) در یادداشت‌های موجود، چهار فقره یادداشت به خط مرحوم دهخدا دیده شد که عیناً نقل می‌شود: (نوجبه مصحف توجبه، به معنی سیل)، یادداشت دوم: (نوجبه، به معنی سیل، ظاهراً مصحف باشد. در منتهی‌الارب همه‌جا توجه آمده‌است و در صحاح‌الفرس نیز توجه ضبط شده‌است)؛ یادداشت دیگر: (نوجبه، به معنی سیل، کلمه غلط است. رجوع به نوجیه شود)؛ یادداشت دیگر: (نوجبه



غلط است، نوجیه و نوژییه صحیح است به معنی آبی که سپری نشود، چون چشمه، و آن را به عربی عد گویند به کسر عین: العد؛ نوژییه. (مقاصد اللغه). در انجمن آرا هم «نوجیه» به معنی سیلاب ضبط شده است، به ضم اول» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل نوجیه)

بر اساس نظر دهخدا و ضبطهای مختلف دیگر از این واژه که در منابع نقل شده، ضبط این فرهنگ با سایر منابع متفاوت است و ممکن است در این فرهنگ، تصحیف رخ داده باشد. به نظر می‌رسد که کاتب در ضبط واژه‌های «زشت»، «نوحیه» و «نسب»، دچار اشتباه شده و صورت تصحیف شده‌ای از واژه‌های «زیب»، «نوحیه» و «نشیب» را وارد متن کرده است.

۶. ۶. مهر خواهی ز من و بدمهری      هده جویی ز من و بی‌بهری  
(دانشگاه، برگ ۱۷)



نسخه‌ی دانشگاه تهران: برگ ۱۷

این بیت در فرهنگ، ذیل واژه «هده» به معنی «حق» آمده است. در کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی بیت مذکور بدین صورت ضبط شده است:

مهر جویی ز من و بی‌مهری      هده خواهی ز من و بی‌هده‌ای  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۶۱)

نفیسی این ضبط را از لغت فرس اسدی، تصحیح اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۳۴) و جلد سوم از مجمع‌الفرس (سروری، ۱۳۳۸: ۱۵۴۱) نقل می‌کند. ضبط سروری از این بیت به صورت زیر است:

مهر خواهی ز من و بی‌مهری      هده خواهی ز من و بی‌هده‌ای  
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۶۱)

در لغت‌نامه ذیل واژه‌های «هده، بی‌مهر، بیهده و...» بیت یادشده در مقایسه با ضبط نفیسی، با این اختلاف ذکر شده‌است:

مهر جویی ز من و بی‌مهری      هده جویی ز من و بی‌هده‌ای  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل هده)

با توجه به منابع و اختلاف ضبط‌هایی که درباره این بیت رودکی وجود دارد، ضبط فرهنگ را باید ضبطی منحصر به فرد بدانیم. ضبط «بی‌بهری» در مقابل ضبط «بیهده‌ای»، ضعیف است و حتی از زیبایی بیت نیز می‌کاهد؛ زیرا شاعر در مصراع اول، بین واژه‌ی «مهر» و «بی‌مهر»، جناس برقرار کرده و قاعدتاً همین اتفاق باید برای واژه‌ی «هده» در برابر «بیهده» بیفتد. این اشتباه به احتمال زیاد به وسیله‌ی کاتب رخ داده و واژه‌ی ضبط شده در این فرهنگ، نادرست است؛ زیرا وی در سراسر این فرهنگ، بسیاری از واژگان را با صورتی تصحیفی ضبط کرده‌است.

#### ۷. نتیجه‌گیری

پژوهشگران همواره به بازیابی اشعار شاعران سده‌های چهارم و پنجم که دیوان‌های بسیاری از آنان با گذشت زمان از بین رفته‌است، توجهی ویژه داشته‌اند. بهترین منابع برای این‌گونه پژوهش‌ها: متون خطی، جنگ‌ها، سفینه‌ها و برخی کتاب‌های بلاغی و فرهنگ‌های لغت هستند و هرگونه واکاوی در این حوزه، بر چنین آثاری متمرکز است. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دو دست‌نویس از فرهنگی ناشناخته، اغلب شواهد ارائه شده از اشعار رودکی در این اثر، نقد و بررسی شده و چهار بیت منسوب به رودکی در این فرهنگ، برای اولین بار معرفی گردیده‌است. برخی از انتساب‌ها و ضبط‌های نو از اشعار رودکی که در این فرهنگ وجود دارند، با منابع موجود اشعار رودکی مقایسه و برخی از منابع اشعار رودکی از جمله تصحیح نفیسی، بررسی انتقادی شد. در نگاهی دقیق‌تر، آشکار شد که در برخی موارد، در دست‌نویس‌های این فرهنگ نیز اشتباهاتی رخ داده‌است؛ این اشتباهات با بررسی منابع دیگر، در این پژوهش به تفصیل مطرح و اختلافات یا تصحیف‌ها بررسی و بیان شد.

#### منابع

ادیبی، عجایب اللغه. (بی‌تا). نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس، شماره ۲۱۹۲.

اسدی طوسی، ابو منصور علی بن احمد. (۱۳۱۹). لغت فرس. تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۳۶). لغت فرس. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۵). لغت فرس. تصحیح فتح الله مجتبابی و علی اشرف صادقی، تهران: خوارزمی.

امامی، نصرالله. (۱۳۸۴). استاد شاعران رودکی (شرح حال، گزیده‌ی اشعار). تهران: جامی. تتوی، عبدالرشید بن عبدالغفور. (۱۳۳۷). فرهنگ رشیدی. به کوشش محمد عباسی، تهران: کتابخانه بارانی.

حافظ اوبهی، سلطان علی هروی. (۱۳۶۵). تحفه الاحباب. به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی و نصرت‌الزمان ریاضی هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

حلیمی، لطف‌الله. (بی‌تا). شرح بحرالغرایب. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس، شماره ۸۶۱. \_\_\_\_\_ (بی‌تا). شرح بحرالغرایب. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی ملی، شماره‌ی ثبت ۱۸۱۱۸-۵.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران. رودکی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۷). دیوان اشعار رودکی. تصحیح، ویرایش و توضیح نصرالله امامی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). دیوان رودکی. شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). دیوان اشعار رودکی. تصحیح و مقابله نادر کریمیان سردشتی، تهران: بنیاد فرهنگی رودکی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). دیوان شعر رودکی. پژوهش، تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: قطره.

سروری کاشانی، محمد قاسم بن محمد. (۱۳۳۸). مجمع‌الفرس. تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی علمی.

شعوری، حسین بن عبدالله. (۱۱۵۵). فرهنگ شعوری (لسان‌العجم). چاپ سنگی، قسطنطنیه: دارالطباعة المعموره.

- ۴۴ \_\_\_\_\_ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۰، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۷ (پیاپی ۳۶)
- فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار منسوب به قطران. (۱۳۸۰). تصحیح علی اشرف صادقی، تهران: سخن.
- فرهنگ خطی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۴۷۳۶.
- فرهنگ خطی، کتابخانه‌ی ملی ایران، شماره ۵-۶۲۱۴.
- قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه. (۱۳۵۳). فرهنگ قواس. تصحیح نذیر احمد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مدبری، محمود. (۱۳۷۰). شرح احوال شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری. تهران: پانوس.
- منجیک ترمذی، علی بن محمد. (۱۳۹۱). دیوان منجیک ترمذی. به کوشش احسان شواربی مقدم، تهران: میراث مکتوب. میرانصاری (بته‌کن)، علی. (۱۳۶۷).
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نخجوانی، هندوشاه. (۱۳۴۱). صحاح الفرس. به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۲). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: طهوری.
- وفایی، حسین. (۱۳۷۴). فرهنگ فارسی براساس نسخه‌های خطی موجود در چین. تصحیح تن هوی جو، تهران: دانشگاه تهران.